

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد

شناسه:.....

آزمون روش‌های تدبیر قرآن به قرآن

نام و نام خانوادگی شعبه مدرسه دانشجویی یا معرف شماره همراه

سوره‌های مبارکه حمد، توحید، فلق، ناس و کافرون را در نظر بگیرید.

۱. از محتوای سوره مبارکه ناس نوعی دسته‌بندی را ارائه دهید به گونه‌ای که بتوان آن را به عنوان شیوه‌ای برای مطالعه محتوای دیگر سوره‌های قرآن ارائه داد.

۲. محتوای سوره مبارکه حمد را بر اساس سوره مبارکه ناس طبقه‌بندی کنید. سپس در نتیجه این طبقه‌بندی سوره مبارکه حمد را توضیح دهید.

۳. بین این پنج سوره دو سوره را انتخاب کنید که بتوان آنها را به عنوان زوج سوره معرفی کرد. زوجیت این دو سوره را بر اساس انواع معیارهایی که برای انتخاب زوج سوره وجود دارد شرح دهید.

۴. برای هر یک از این پنج سوره بر اساس فواید آنها، غرضی از سوره را گمانه‌زنی کنید.

۵. برای هر یک از این پنج سوره، یک آیه کلیدی انتخاب کرده و ارائه‌ای از محتوای سوره بر اساس این آیه کلیدی را بیان کنید.

۶. آیه «اهدنا الصراط المستقیم» از سوره مبارکه حمد را در سوره مبارکه کافرون تفصیل دهید.

۷. این پنج سوره بر اساس چه محوری می‌توانند قرابت معنایی پیدا کنند به گونه‌ای که یک خانواده یا گروه سوره را تشکیل دهند. این محور را تبیین کرده و نقش هر سوره در شرح آن را تعیین کنید.

۸. در بین پنج سوره چه موضوع مشترکی را می‌توان برای تدبیر موضوعی انتخاب کرد؟ فهرست ریز موضوعات را با توجه به سوره‌ها معلوم کنید.

۹. آیه ای را در یکی از سوره‌های نامبرده به عنوان آیه متشابه انتخاب کنید (بر اساس تعریف مشخصی که از آیات محکم و متشابه ارائه می‌دهید) و آن آیه را بر اساس آیه یا آیات محکمی که در سوره‌های موجود هستند، تحلیل کنید.

۱۰. با توجه به متن زیر از تفسیر المیزان وضعیت عبودیت را در چهار سوره دیگر بررسی و رابطه پنج سوره را حول محور عبودیت بنویسید.

و عبودیت میان بندگان و موالی آنان تنها در برابر آن چیزی صحیح است که موالی از عبید خود مالکند، هر مولایی از عبد خود بان مقدار اطاعت و انقیاد و بندگی استحقاق دارد، که از شئون بنده‌اش مالک است، و اما آن شئونی را که از او مالک نیست، و اصلاً قابلیت ملک ندارد، نمی‌تواند در برابر آنها از بنده خود مطالبه بندگی کند، مثلاً اگر بنده‌اش پسر زید است، نمی‌تواند از او بخواهد که پسر عمرو شود، و یا اگر بلندقامت است، از او بخواهد که کوتاه شود، اینگونه امور، متعلق عبادت و عبودیت قرار نمی‌گیرد. این وضع عبودیت عبید در برابر موالی عرفی است، و اما عبودیت بندگان نسبت به پروردگار متعال، وضع دیگری دارد، چون مالکیت خدا نسبت به بندگان وضع علیحده‌ای دارد، برای اینکه مولای عرفی یک چیز از بنده خود را مالک بود، و صد چیز دیگرش را مالک نبود، ولی خدای تعالی مالکیتش نسبت به بندگان علی‌الطلاق است، و مشوب با مالکیت غیر نیست، و بنده او در مملوکیت او تبعیض بر نمیدارد، که مثلاً نصف او ملک خدا، و نصف دیگرش ملک غیر خدا باشد، و یا پاره‌ای تصرفات در بنده برای خدا جائز باشد، و پاره‌ای تصرفات دیگر جائز نباشد. هم چنان که در عبید و موالی عرفی چنین است، پاره‌ای از شئون عبد (که همان کارهای اختیاری او است)، مملوک ما می‌شود، و می‌توانیم باو فرمان دهیم، که مثلاً باغچه ما را بیل بزند، ولی پاره‌ای شئون دیگرش (که همان افعال غیر اختیاری او از قبیل بلندی و کوتاهی او است) مملوک ما قرار نمی‌گیرد، و نیز پاره‌ای تصرفات ما در او جائز است، که گفتیم فلان کار مشروع ما را انجام دهد، و پاره‌ای دیگر (مانند کشتن بدون جرم آنان) برای ما جائز نیست. پس خدای تعالی مالک علی‌الطلاق و بدون قید و شرطها است، و ما و همه مخلوقات مملوک علی‌الطلاق، و بدون قید و شرط اوئیم، پس در اینجا دو نوع انحصار هست، یکی اینکه رب تنها و منحصر در مالکیت است، و دوم اینکه عبد تنها و منحصر عبد است، و جز عبودیت چیزی ندارد.

ترجمه	سورة الفاتحه
به نام خداوند بخشنده بخشایشگر (۱)	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۲)	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)
(خداوندی که) بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته). (۳)	الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)
(خداوندی که) مالک روز جزاست. (۴)	مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)
(پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جویم. (۵)	إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)
ما را به راه راست هدایت کن ... (۶)	اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)
راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای؛ و نه گمراهان. (۷)	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

ترجمه	سورة الكافرون
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بگو: ای کافران! (۱)	قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)
آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم! (۲)	لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)
و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، (۳)	وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)
و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده‌اید می پرستم، (۴)	وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)
و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (۵)	وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)
(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)	لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

ترجمه	سورة الاخلاص
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛ (۱)	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)
خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ (۲)	اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)
(هرگز) نژاد، و زاده نشد، (۳)	لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)
و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است! (۴)	وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

ترجمه	سورة الفلق
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح، (۱)	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)
از شرّ تمام آنچه آفریده است؛ (۲)	مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)
و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود؛ (۳)	وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)
و از شرّ آنها که با افسون در گره‌ها می‌دمند (و هر تصمیمی را سست می‌کنند)؛ (۴)	وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)
و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد! (۵)	وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

ترجمه	سورة الناس
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم، (۱)	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)
به مالک و حاکم مردم، (۲)	مَلِكِ النَّاسِ (۲)
به (خدا و) معبود مردم، (۳)	إِلَهِ النَّاسِ (۳)
از شرّ وسوسه‌گر پنهانکار، (۴)	مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)
که در درون سینه انسانها وسوسه می‌کند، (۵)	الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)
خواه از جنّ باشد یا از انسان! (۶)	مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)